



سو بسید، ممیزی کتاب و کتاب سال

در گفتگو با احمد مسجدجامعی، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

بنابراین یکی از محورهای اساسی فعالیت این معاونت مسأله «الگوسازی» در امور فرهنگی است. برگزاری و برپایی نمایشگاههای کتاب، برنامه انتخاب بهترین کتاب دانشگاهی، برگزاری نمایشگاه قرآن، نمایشگاه فرهنگ و ادب فارسی و نمایشگاه کوثر از نمونههای الگوسازی فرهنگی است. ما با چنین کارهایی قصد داریم به جامعه نشان دهیم که الگوهای مطلوب که پیروی از آنها کمال یک جامعه را در پی دارد، چه چیزهایی است. بدین منظور طراحی یک حرکت و بسط آن در سطوح گوناگون جامعه از وظایف اساسی این معاونت است. این اجمالی از حدود وظایف معاونت

دانشگاه انقلاب: ضمن تشکر از اینکه دعوت ما را به گفتگو پذیرفتید. همان طور که می‌دانید موضوع گفتگوی ما مسائل مربوط به کتاب است که حوزه مسئولیت شماست. خوب است در ابتدا بفرمایید که معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور کلی عهده‌دار چه وظایفی است.

مسجدجامعی: بنده هم از شما متشکرم. وظایف این معاونت را مسایل مربوط به حوزه فرهنگ عمومی تشکیل می‌دهد، مانند کتاب، چاپ و چاپخانه، پشتیبانی و حمایت از فعالیتهای پژوهشی - تحقیقاتی که موجب گسترش و رشد فرهنگ در جامعه می‌شود.

امور فرهنگی است.

دانشگاه انقلاب: بعضی از مؤلفان می‌گویند گاهی زمان ملاحظه و بازبینی کتاب بسیار طولانی می‌شود و معیار مشخصی از حیث مدت زمان لازم برای رسیدگی وجود ندارد و یا مراعات نمی‌شود. در این مورد اگر توضیحی دارید بفرمایید.

مسجدجامعی: صدور مجوز کتاب براساس تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی است. این شورا برای تشخیص کتابهای ممنوع‌الانتشار ضوابطی را تعیین کرده است که براساس آن ضوابط عمل می‌شود. کتابهایی که صدور مجوز برای چاپ آنها طول می‌کشد، کتاب دانشگاهی نیستند، بلکه در حوزه‌های دیگر هستند. این قبیل کتابها به شورایی ارجاع داده می‌شوند، که اعضای آن شورا از وزارت ارشاد نیستند ولیکن زیرنظر وزارت ارشاد هستند و آنها شخصیت‌هایی فرهنگی هستند که از مراکز مختلفی برگزیده شده‌اند. جلسات این شورا هفته‌ای یک بار تشکیل می‌شود و به همین دلیل کتابهایی که به این شورا ارجاع داده می‌شوند تکلیفشان دیرتر از حد معمول معین می‌شود. تعداد این کتابها خیلی کم است.

دانشگاه انقلاب: آیا معیارها و ضوابط مشخصی وجود دارد که مؤلفان و مترجمان در چارچوب آن ضوابط کتاب تألیف کنند؟

مسجدجامعی: بله، چنین معیارهایی وجود دارد و عموم اهل قلم از این معیارها مطلع هستند. این معیارها جزو مصوبات

شورای عالی انقلاب فرهنگی و قوانین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است.
دانشگاه انقلاب: آیا میان عملکرد کمیته ارزیابی کتاب و ایجاد بازار سیاه کتاب رابطه مستقیمی وجود دارد یا نه؟

مسجدجامعی: در ایجاد بازار سیاه کتاب، عوامل بسیاری دخیل است. از جمله ممکن است عرضه کتابی کم باشد. اما به طور کلی نمی‌توانیم بگوییم که این شورا باعث ایجاد بازار سیاه کتاب شده است. چرا که کتابهایی که شورا برای آنها مجوز صادر نمی‌کند، تعدادشان بسیار محدود است و معمولاً پس از اصلاحاتی مجوز می‌گیرند. بعضی از مترجمان، اگر قرار باشد اصلاحاتی در کتابشان انجام بشود، ترجیح می‌دهند کتابشان چاپ نشود. اکثر کتابهایی که می‌گویند ارشاد به آنها مجوز نشر نداده است، اجازه مشروط به آنها داده می‌شود و این طور نیست که مطلقاً مجوز نگیرند. مواردی که به نحو مشروط به آنها مجوز داده می‌شود، آن مواردی است که با امنیت ملی برخورد دارند و یا توهین به اعتقادات عمومی محسوب می‌شوند و یا خلاف عفت و اخلاق عمومی هستند. البته استثناهایی هم وجود دارد. الان کتابهایی به بازار عرضه می‌شود که اگر ضوابط عمومی نشر را در نظر بگیریم، مشکل دارند ولی عرضه می‌شوند چون از شاهکارهای ادبی هستند، این آثار مهم و کلاسیک مستثنی هستند. زمانی مطرح شده بود که چرا ارشاد به «نان و شراب» مجوز داده است. در کارهای

مجوز ندهند چه می‌شود، اگر بدهند چه می‌شود. ولی به هر حال این قانون، قانون خیلی خوبی است و موارد استثناء را هم مشخص کرده است. مثلاً در مورد کتابهای پزشکی یا هنری ممکن است، بگویند تصاویر خوبی ندارند. و از این فراتر، کتابهایی هستند که گاهی با اصول اعتقادی ما تعارض دارند. کتابهای فلاسفه‌ای منتشر می‌شود که ملحد هستند. یا حتی در حوزه کتابهای سیاسی آنهایی که خاطرات وابستگان شاه را بازگو می‌کنند بیشتر در جهت توجیه کار آنها بوده است، ولی چاپ می‌شوند. اینها براساس همان مبنایی است که قانون پیش‌بینی کرده است. مرجع تشخیص آن هم همین شورا است.

دانشگاه انقلاب: سؤال دیگر در مورد سوسپید کتاب است. خواهش می‌کنیم در مورد حجم و معیارهای ارائه آن توضیحی بفرمایید.

مسجد جامعی: سوسپید به صورت‌های مختلف داده می‌شود. مثلاً در نمایشگاه بین‌المللی کتاب که اکثر اساتید و دانشجویان از آن خرید می‌کنند، قیمت کتاب با دلاری هفتاد تومان محاسبه می‌شد، در حالی که در آن زمان قیمت دلار ۱۷۵ تومان بود. یا فرض کنید کاغذ کمابیش توزیع می‌شود و دولت سوسپید آن را می‌دهد. برای برگزاری بعضی مراسم هم ممکن است ارشاد سوسپید ندهد، ولی مجموعه دولت سوسپید آن را می‌پردازد. مثلاً در همین هفته کتاب، جهاد دانشگاهی، جهاد سازندگی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و

داخلی هم همین‌طور است. این فرق می‌کند با اینکه فردی کتاب کم‌ارزشی بنویسد و در آن مسائل خلاف عفت بگنجانند تا تیراژ کتابش بالا برود. مثلاً «جنگ و صلح» هم در بازار عرضه می‌شود. حالا ممکن است در زندگی تزارها نکات زنده‌ای هم باشد. ولی تزار یعنی همین. شما نمی‌توانید چهره تزار را چهره یک قدیس بکنید.

دانشگاه انقلاب: گاهی چنین شده است که کتابی از ارشاد مجوز نگر گرفته و همین سبب شهرت آن کتاب و نویسنده شده و موجب شده است که نسخه‌های آن به قیمت خیلی گرانتری به فروش برسد و خوانندگان زیادی داشته باشد، در حالی که در آن کتاب اصلاً مطلب مهمی نیامده است و نویسنده هیچ حرف تازه‌ای برای گفتن نداشته است. شاید اگر این کتاب با مجوز ارشاد منتشر می‌شد اصلاً مورد اقبال واقع نمی‌شد. البته منظور من کتابهای خلاف عفت نیست. آنها واقعاً افیون هستند.

مسجد جامعی: این دیگر سلیقه‌ای است. مثلاً همین را که عرض کردم بعضی از کتابهای کلاسیک پرفروش است و بعضی کم‌فروش. این طور نیست که کتابهای پرفروش لزوماً کتابهای خوبی باشند. این بستگی به نظر شورا دارد. مثلاً در این شورا ممکن است کسانی اجازه نشر کتابی را بدهند و عده‌ای ندهند. وقتی که آن کتاب هم منتشر می‌شود باز هم ممکن است کسانی مخالف باشند. این بحث را همه‌جا می‌شود مطرح کرد که اگر به این کتاب

ارز ارتباط دارند. قیمت ارز هم از سال هفتاد تا به حال بسیار افزایش پیدا کرده است. سایر اقلام هم به همین شکل است. اما اینکه قیمت کاغذ، بخش اصلی قیمت کتاب را تشکیل می‌دهد حرف درستی است. بنابراین سیاست کلی ما این بوده که همه سوسیدها را برای کاغذ بگذاریم. در یک نظام فرهنگی کاغذ مثل نان است. یعنی همان طور که افراد در زندگی مادیشان به نان احتیاج دارند، در زندگی معنوی و فکریشان به کتاب و نشریه نیازمندند. به همین دلیل دولت هم تلاش خودش را کرده و سوسیدهای فرهنگی داده است.

دانشگاه انقلاب: حمایت‌های دولتی، حمایت‌های مقطعی است. کافی است سوسید را قطع کند تا جامعه ما با بحرانهای بزرگتری مواجه شود. آیا یک راه‌حل دائمی برای حل این معضل وجود ندارد؟

مسجد جامع: راه‌حل غیرمقطعی و دائمی را باید در کلیت آن ملاحظه کرد. ما اگر بخواهیم کار فرهنگی را رونق بدهیم، راهش این است که هزینه مالی بکنیم. کالای فرهنگی از اجزایی تشکیل می‌شود که این اجزا لزوماً فرهنگی نیستند. مثل کاغذ، فیلم، چسب و امثال اینها که وسایلی چندمنظوره هستند. مثلاً با گالینگور می‌توانید کتاب چاپ کنید، تقویم چاپ کنید یا کالا را بسته‌بندی کنید. برای انجام کار فرهنگی دولت باید سوسید ویژه‌ای بدهد تا از اینها حمایت کند. در حوزه‌های دیگر هم چنین است. زمانی در حوزه‌ای می‌خواهند

سازمان‌هایی دیگر نیز مراسم و برنامه‌هایی دارند و هر کدام به نحوی در خدماتی که عرضه می‌کنند سوسیدهایی می‌پردازند. سوسیدهای ما در سه حوزه مشخص است. یکی عرضه بُن کتاب است که سال گذشته اجرا شد و طرح موفق‌تری هم بود. امسال هم مقدار آن را افزایش دادیم چون دانشجویان عموماً به کتاب احتیاج دارند. هدف این فعالیت این بود که ما برای اولین بار بیایم سوسید را به مصرف‌کننده کالای فرهنگی بدهیم. قبلاً این سوسید را به تولیدکنندگان کالاهای فرهنگی مثل ناشران یا فیلمسازان می‌دادیم. اما این بار حوزه انتخاب را وسیعتر کرده‌ایم و این باعث رونق گرفتن کتابهای علمی شد. بحث خرید کتاب، تبصره ۳ سوسید کاغذ هم هست. یک قسمت دیگر سوسید ما، ویژه پروژه‌هاست که عمدتاً شامل مراکز تحقیقاتی و پژوهشی است.

دانشگاه انقلاب: برخی از ناشران می‌گفتند که از آبان ۷۰ قیمت کاغذ بیست برابر شده و اظهار می‌کردند که از این مقدار جز ۱۵٪، چیزی به آنها نمی‌رسد و ۷۰٪ قیمت کتاب را هزینه کاغذ تشکیل می‌دهد. آیا این مربوط است به همین سوسیدی که به مصرف‌کننده دادید؟ از آن طرف گرچه به دانشجویان بُن دادید ولی آنها مجبور شدند که همان کتابها را به قیمت چند برابر قبل، بخرند.

مسجد جامع: این قضیه در هر طرحی وجود دارد. یعنی اگر نخواهید به دانشجویان بُن بدهید قیمت کتاب افزایش پیدا می‌کند. قیمت کتاب وابسته به موادی است که با قیمت

اینکه سوسیدهای فردی داده شود که به طور کوتاه مدت مشکل دانشجو را حل می‌کند تعدادی کارخانه کاغذسازی احداث کنیم؟ آیا امکان این کار هست و دولت در این زمینه‌ها می‌تواند سرمایه‌گذاری کند؟

مسجدجامعی: در این برنامه پنج سئواله دوم پیشنهاد این سئواله را داده‌ایم. منتهی سرمایه‌گذاری برای کاغذ، کارآسانی نیست. سرمایه‌گذاری سنگین می‌خواهد. پیشنهاد ما این بود که کاغذ پارس در اختیار ناشران قرار داده شود و دولت با درآمدی که از این طریق کسب می‌کند، یک کارخانه جدید احداث کند. یعنی این کارخانه‌ها خصوصی شود و سرمایه‌اش صرف ایجاد کارخانه‌های جدیدی بشود. به نظر من این پیشنهاد خوبی است. منتهی وضع کتاب به گونه‌ای است که نباید کمک به انتشار آن را قطع کنیم و منتظر یک اقدام اساسی بمانیم.

ممکن است تا ما بخواهیم کار اساسی کنیم دیگر نه از تاک نشان بماند و نه از تاک نشان. این سوسیدها باید باشد و حتی افزایش هم پیدا بکند. در کنار این، باید سیاستهای کلان هم داشته باشیم. ما باید در جهت تولید کالای فرهنگی تلاش کنیم. اگر وزارت‌های بازرگانی و صنایع، این سیاست را اتخاذ کردند از آن طرف دستگاه‌های فرهنگی هم سیاست‌های مربوط به ترویج کتاب را اجرا کنند، در آن صورت کتاب وارد زندگی مردم می‌شود. چون یک کالای گران‌قیمت نمی‌تواند وارد زندگی عموم مردم بشود. از آن طرف هم باید

فعالیتی بکنند، مثل واکنسیونیون افغانها. این به سیاستهای کلان برمی‌گردد. منتهی یک کارهایی می‌شود کرد. برای مثال ما خودمان تا سال ۷۰ مجوز تشکیل چاپخانه جدید را نمی‌دادیم. این باعث می‌شد قیمت چاپ بالا برود. موقعی که مجوز جدید دادیم قیمت‌ها پایین آمد. یا فرض کنید دولت باید کالای فرهنگی را در اولویت قرار دهد، یا مثلاً در برنامه پنج‌ساله دوم به صنایع مربوط به کاغذ اولویت داده شود. باید یک شبکه توزیع ایجاد شود. یک سئواله عمده، ترویج کتابخوانی است. کتاب باید وارد زندگی بشود. همان طور که لباس جزو لازم زندگی است و اگر قیمتش زیاد بشود، چنین نیست که لباس نخریم، با کتاب هم باید این‌گونه برخورد شود. الان کتاب وارد زندگی نشده. برای اینکه این روحیه ایجاد بشود رسانه‌ها باید کمک کنند. الان در حوزه مدارس دانش‌آموزان به مطالعه عادت ندارند. آموزش و پرورش باید برای این سئواله فکری جدی بکند، یکی از اهداف هفته کتاب هم همین است.

دانشگاه انقلاب: با فرهنگ نمی‌شود برخورد سازمانی کرد.

مسجدجامعی: می‌شود طراحی کرد اما همدلی لازم است. آموزش و پرورش باید این را سئواله خودش بداند، صدا و سیما هم همین‌طور. همه سازمانها اگر این را مشکل خودشان بدانند و یک عزم ملی برای رفع آن صورت گیرد، موفق می‌شویم.

دانشگاه انقلاب: آیا بهتر نیست به جای

که قرار است از دبستانها برداشته شود، برنامه مطالعه کتاب در دبستانها را اجباری کنند، هر دانش آموزی مکلف شود کتابی بخواند و بعد چند جمله درباره آن بنویسد یا آن را خلاصه کند. اگر از پایه بچه‌ها مطالعه کردن را یاد بگیرند مشکل عدم اقبال به کتابخوانی حل می‌شود.

مسجدجامعی: پیشنهاد خوبی است. اگر جدی مطرح شود مفید خواهد بود. ما از این جهت مشکل نداریم. دانش آموزان و حتی دانشجویان ما نمی‌توانند مطلبی را درست بنویسند. همین رساله‌های دانشجویی که نوشته می‌شود بعد باید ویراستاری شود و پول کلانی بابت آن پرداخت شود. چون پایه‌ها درست گذاشته نشده. برای اینکه این پایه درست گذاشته شود باید بچه‌ها کتاب بخوانند، آن را خلاصه کنند و بیایند در کلاس آن را بیان کنند. این سیاستها خیلی مفید و مؤثر است. عموم بچه‌ها هم علاقه‌مندند به جای کتابهای درسی، کتابهای جنبی بخوانند که به درشان هم کمک بکند. آن زمینه هم به وجود می‌آید. خصوصاً در درسهای فارسی، انشا، تعلیمات دینی، تعلیمات اجتماعی. اگر بچه‌ها خودشان احساس همدلی و خلاقیت کنند کلاس پرشور می‌شود، و با معلم در اداره کلاس شریک می‌شوند. در سایر درسها هم می‌شود این کار را کرد.

دانشگاه انقلاب: ارزیابی شما از روند برگزاری نمایشگاههای بین‌المللی کتاب چیست؟ آیا انتقادهایی که در طول سالهای

آن احساس نیاز به وجود بیاید. این دو همدیگر را کامل می‌کنند.

دانشگاه انقلاب: کتابخانه‌های دانشکده‌ها و کتابخانه‌های عمومی فاقد کتابهای جدید هستند و مدتها طول می‌کشد تا کتابهای جدید تهیه کنند که در آن صورت آن کتابها جدید نخواهند بود. از این حیث کتابخانه‌های ما بسیار فقیر هستند. آیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این خصوص نمی‌تواند کمکی بکند.

مسجدجامعی: تجهیز کتابخانه‌های عمومی جزو وظایف ماست. اما نیاز کتابخانه‌های دانشگاهها را باید وزارت فرهنگ و آموزش عالی تأمین کند. اگر مسأله کتاب و کتابخوانی اصل است آنها باید یک اعتبار مجزایی برای آن در نظر بگیرند. مثل کتابخانه‌های مدارس باشد که می‌گویند ما برای همه فعالیت‌های فرهنگی یک بودجه‌ای داریم و چون آن بودجه به همه موارد نمی‌رسد، پس تجهیز کتابخانه را در اولویت‌های بعدی قرار دهیم و یا بگذاریم که دیگران کمکی بکنند. این نکته‌ای که شما می‌گویید نکته خیلی خوبی است قابل پی‌گیری هم هست که وزارتخانه مربوطه به عنوان کتابخانه‌های تخصصی، اعتبار ویژه‌ای اختصاص بدهد. تجهیز کتابخانه‌های دانشگاهی بی‌شک از ضروریات هر دانشگاه است.

دانشگاه انقلاب: در بحث گسترش فرهنگ، پیشنهاد شده بود به جای مشق شبی

درجه اول را نمی آورند.

مسجدجامعی: البته این مطلبی که من گفتم هیچ ربطی به این مسأله ندارد. من گفتم که در نمایشگاه اقبال به خرید کتاب و خواندن کتاب زیاد می شود. نه اینکه کتابهایی که به فروش می رسد کتابهای خوبی نباشند. مثلاً انتشارات آستان قدس نمی گفت کتابهای قدیمی ما که فروش نمی رفت اینجا به فروش رفت. اصلاً فضایی ایجاد می شود مثل ایام عید. ممکن است کسی بگوید ایام عید آجیلهای کهنه را می آورند. نه، آجیلهای خوب را هم می آورند. لباسهای خوب را هم می آورند، لباسهای بد را هم می آورند. یعنی این روحیه است که مهم است. البته قابل بررسی هم هست. ممکن است این دیدگاه غلط باشد چون برای ناشر چه فرقی می کند که کتاب خویش را بیاورد یا بدش را. ممکن است بگوییم در اینجا کتابهای بد را هم می فروشند. منتهی آنها درصدی از مجموع کتابها است.

دانشگاه انقلاب: این مسأله عدم توزیع صحیح کتاب است. یعنی ما مرکزی نداریم که کتاب را خوب توزیع کند. اما نمایشگاه چون این روحیه عمومی توجه به کتاب را ایجاد می کند، ناشران می توانند کتابهایی بفروشند که در طول سال فروش چندانی نداشته است.

مسجدجامعی: بله این هم هست. این نکته ای که شما اشاره کردید نکته مهمی است. بعضی از مناطقی که نمایشگاه کتاب برگزار می شود، در طول سال این حجم کتاب و این تعداد عناوین را که نمی بینند. یعنی اگر شبکه

گذشته نسبت به کیفیت برگزاری نمایشگاه می شده مورد توجه و رسیدگی قرار گرفته است یا نه؟

مسجدجامعی: نمایشگاههایی که برگزار می شود در واقع سوسیدی است که دولت به بخش فرهنگ می دهد. خیلی هم جالب است. اصلاً شور و نشاط فرهنگی به وجود می آید و باشگاه فرهنگی راه می اندازد. زمینه ای است که ارشاد برای تقویت حرکت فرهنگی ایجاد می کند، این هم تأثیر فرهنگی دارد و هم تأثیر اجتماعی و هم در اقتصاد نشر تأثیر دارد؛ یعنی وقتی این فضا ایجاد می شود خیلی از کسانی که کتاب نمی خردند، کتاب می خردند و می خوانند.

مسئول انتشارات آستان قدس می گفت در نمایشگاه، بسیاری از کتابهای ما به فروش رفت. **دانشگاه انقلاب:** برخی از اهل کتاب می گفتند کتابهایی که در غرفه های خارجی عرضه می شد، کتابهایی بودند که در کشورهای خودشان بازار ندارند و نمایشگاه برای این قبیل کتابها بازار فروش شده است. حتی در بخش داخلی هم ناشران داخلی کتابهایی آورده بودند که کتاب روز نبود. البته این مسأله در مورد کتابهای خارجی اهمیت بیشتری دارد. آیا می توان ترتیبی اتخاذ کرد که کارشناسان ما فهرستهایی از کتابهای خوب تهیه کنند و از ناشران خارجی بخواهیم که همان کتابها را به نمایشگاه بیاورند؟ چون در غیر این صورت همانند سال گذشته اکثر کتابها یا کتابهای عمومی خواهند بود و یا کتابهای درجه دوم و درجه چندم تخصصی. کتابهای

برگزیده نشود ولی در آن رشته دوم به عنوان کتاب سال انتخاب شود. ما کتابهایی داشته‌ایم که در دو حوزه «زبان‌شناسی» و «کلیات»، یا «کلیات» و «دین» بررسی شده و احیاناً در یکی از این حوزه‌ها انتخاب نشده و در حوزه دیگری انتخاب شده‌اند. البته ما سعی داریم که کتابهای برگزیده سال در حوزه اصلی خودشان باشند ولی یکی از مشکلات این است که برخی از گروهها، گروههای دیگر را از نظر علمی قبول ندارند. مثلاً می‌گویند صاحب فلان نظریه اصلاً عالم نیست. این یکی از مشکلات انتخاب کتاب سال است.

دانشگاه انقلاب: گفته می‌شود که در جریان انتخاب کتاب سال گاهی نمره کتاب را به کتاب می‌دهند. آیا شما هم این را تأیید می‌کنید؟

مسجدجامعی: ما چنین موردی نداریم. تنها یک مسأله هست و آن اینکه اگر کسی به طرفداری از سلمان رشدی بیانیه‌ای امضا کرده باشد، کتاب او را انتخاب نمی‌کنیم. اما از این مورد که بگذریم چنین مسأله‌ای صحت ندارد. شما می‌بینید که برندگان کتاب سال شخصیت‌های مختلفی با دیدگاههای بسیار متفاوتی هستند. خود اسامی برندگان این ادعا را باطل می‌کند.

دانشگاه انقلاب: مجدداً از جناب عالی که در این گفتگو شرکت فرمودید، صمیمانه تشکر می‌کنیم.

توزیع ما یک شبکه روزآمدی باشد و کتاب همه‌جا توزیع بشود، نمایشگاههای استانی، دیگر موقعیت نخواهند داشت. البته یک دلیل موفقیت نمایشگاهها همان فضای فرهنگی ایجاد شده است. یعنی میزگردها و بررسیها و

دانشگاه انقلاب: معیارها و ضوابط انتخاب کتاب سال کدامند؟

مسجدجامعی: این هم ضوابطی دارد که مشخص است یعنی برطبق جداولی و معیارهای خاصی امتیازها تعیین می‌شوند و بعد هر کتابی که بیشترین امتیاز را داشته باشد، انتخاب می‌شود.

دانشگاه انقلاب: در نظر خواهی که از اهل کتاب کرده‌ایم برخی اظهار کرده‌اند که نویسنده بیش از خود کتاب مورد نظر قرار می‌گیرد. گاهی شده است که کتابی در رشته‌ای به عنوان کتاب سال برگزیده شده است، در صورتی که آن کتاب اصلاً در زمینه دیگری است. مثلاً یکی از استادان فیزیک کتابی در زمینه فلسفه علم نوشته است که هیچ ربط مستقیمی به فیزیک ندارد. و بعد به عنوان کتاب سال فیزیک برگزیده شده است.

مسجدجامعی: بعضی کتابها هست که در واقع به دو رشته علمی مربوط می‌شوند مثلاً هم به جغرافیا مربوط است و هم به علوم اجتماعی. چنین کتابهایی در دو گروه بررسی می‌شوند. ممکن است کتابی در حوزه اصلی خودش